

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۶

شیعه در مواجهه با ظهور موعود

سیدعلی هاشمی^۱

چکیده

این مقاله در صدد است با رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی روایاتی در منابع شیعی بپردازد که از چگونگی روبرو شدن شیعه با ظهور منجی موعود عج و جایگاه آنان در دوران حکومت جهانی آن حضرت خبر می دهند. بر اساس این پژوهش، شیعیان در دوران غیبت، با پشت سر گذاشتن امتحان های مختلف و دشوار، زمینه سازان ظهور شده و اولین و مهم ترین یاران موعود منتظر عج خواهند بود. اختلافات داخلی آنان با ظهور آن حضرت بر طرف شده و آنان بر حسب لیاقت خود در حکومت آن حضرت نقش های اساسی خواهند داشت. عالم نمایان دروغ گو مهم ترین عامل انحراف جامعه شیعی هستند که با حضور حضرت مهدی عج فتنه های آنان پایان می یابد.

واژگان کلیدی

شیعیان، نقش شیعه، منجی، مهدویت، ظهور.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (s.a.h@chmail.ir).

مقدمه

شیعیان خود را منتظران واقعی و یاوران اصلی حضرت مهدی علیه السلام می‌دانند. ارزیابی این ادعا بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام و شناخت نقاط ضعف و قوت جامعه شیعی در این موضوع، انگیزه اصلی نگارش این مقاله شد. پس از بررسی کتاب‌ها و مقالات روشن شد که مقاله یا کتابی مستقل در این موضوع نگاشته نشده است. البته کتاب‌های متعددی به موضوعاتی مانند وظایف منتظران در عصر غیبت یا تحلیل برخی جریان‌های آستانه ظهور مانند خراسانی و... پرداخته‌اند که می‌تواند پشتوانه این تحقیق باشد؛ اما با موضوع این تحقیق متفاوت است.

مراد از موعود در این نوشتار، حضرت حجت بن الحسن المهدی علیه السلام، یعنی موعود جامعه شیعه امامیه است. و مقصود از عصر ظهور، زمان تحقق قیام آن حضرت و پس از آن (دوران حکومت ایشان) است. نکته دیگر آن که هرگاه در این مقاله به نام شیعه اشاره می‌شود، مراد شیعه امامیه یعنی دوازده امامی است؛ البته مراد از شیعیان یاد شده، ضرورتاً شیعیان واقعی و ملتزم به باورهای شیعی نیست، بلکه اعم از آنان است و شامل کسانی هم می‌شود که به عنوان شیعه امامی شناخته می‌شوند، هرچند در امتحانات سرفراز نباشند.

مباحث این مقاله را می‌توان در دو محور وضعیت شیعه در آستانه ظهور (دوره امتحان و آمادگی) و پس از آن (دوره همراهی) بررسی کرد. محور اول، حکم مقدمه برای بحث دوم را دارد:

دوران امتحان و آمادگی

صدها سال است که شیعیان در انتظار ظهور مهدی موعود علیه السلام به سر می‌برند، هر نسلی امیدوار است که ظهور در دوره آنان اتفاق افتاده و انتظار طولانی‌شان با دیدار موعود پایان یابد. طولانی شدن غیبت، امتحان شیعیان را دشوارتر کرده و در این امتحان برخی سقوط می‌کنند. روایات متعددی حکایت از آن دارند که در آستانه ظهور، اختلافات جدی میان شیعیان وجود دارد. این اختلافات به حدی است که آنان یک‌دیگر را لعن کرده و از هم بی‌زاری می‌جویند. به نمونه‌ای از این روایات توجه فرمایید:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي
الْحَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيْعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنِ الْحُسَيْنِ
بْنِ الْمُخْتَارِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا

بَقِيْتُمْ بِلَا اِمَامٍ هُدًى وَلَا عِلْمٍ يَتَّبِعُكُمْ مِنْ بَعْضِ فِعْدَدِ ذَلِكَ مُتَيِّزُونَ وَتُحْصُونَ وَ تُعْزَلُونَ... (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۴۸):^۱

حال شما چگونه است زمانی که بدون امامی هدایتگر و پرچمی (که در سایه آن جمع شوید) بمانید، (در چنین شرایطی) برخی از شما از برخی دیگر بیزار می‌جویند. در آن هنگام از هم متمایز، خالص و غربال می‌شوید.

در این نقل، امام صادق علیه السلام وضعیت دوران غیبت را توصیف کرده است. مخاطب این روایت «عبدالرحمن بن سیابه» است که از اصحاب امام صادق علیه السلام و بنابر برخی تحقیقات از معتمدین و خواص آن حضرت بوده (ر.ک: خواجویی، ۴۱۳ق: ۷۰). در نتیجه مخاطب کلماتی مانند «أَنْتُمْ» و «بَقِيْتُمْ»، قاعدتاً جامعه شیعه است. اگر مقصود امام، عموم مردم، اعم از شیعه و سنی بود، از تعبیری مانند «الناس» استفاده می‌شد؛ افزون بر آن که جامعه اهل سنت در آن دوره نیز از امام هدایتگر محروم بودند؛ زیرا امامت امام صادق علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام را نپذیرفته بودند؛ پس خبر دادن از محرومیت از حضور امام در آینده، قرینه‌ای است بر آن که مخاطب امام، جامعه اهل سنت نیست؛ بلکه جامعه شیعه و دوره مورد نظر، دوره غیبت است که شیعیان، امام خود را به طور ظاهر نمی‌بینند و پرچم (مرجعیت) واحدی نیز در میان آنان نیست که در سایه آنان جمع شوند.

در چنین شرایطی طبیعی است که عوامل متعددی مانند برداشت‌های مختلف عالمان از قرآن و سنت، فتنه‌انگیزی برخی دنیاطلبان و... موجب بروز اختلاف در میان شیعیان می‌شود. به این دلیل چنان که در این روایت آمده است، عصر غیبت دوره‌ای دشوار و پرخطر برای جامعه شیعه است؛ اما در مجموع، با پشت سر گذاشتن امتحان‌های دشوار، به تدریج تجربه و رشد بیشتری به دست می‌آورد و خالص‌تر و آماده‌تر می‌شود.^۲

توجه شود که روایت یاد شده، از وضعیت آستانه ظهور سخن نمی‌گوید، بلکه به طور کلی وضعیت شیعه را در دوران غیبت توصیف می‌کند؛ پس این احتمال وجود دارد که جامعه شیعه با کسب تجربه در طول دوران غیبت، به اتحاد و یکپارچگی برسد؛ اما روایات دیگر نشان

۱. رجال این سند موثق و برخی از محدثان برجسته هستند. تنها «عبدالله بن عبدالرحمن الاصم» تضعیف و متهم به غلو شده است که این اتهام برگرفته از دیدگاه ابن غضائری است که شاگردش نجاشی نیز آن را نقل کرده است (ابن غضائری، [بی‌تا]: ج ۱، ۷۶؛ النجاشی، ۱۳۶۵ش: ۲۱۷) و قابل تأمل است (ر.ک: حائری مازندرانی، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۲۰۴-۲۰۵). چنان‌که در ادامه یاد می‌شود، محتوای این روایت توسط روایات دیگر تأیید شده است. بنابراین به مضمون آن می‌توان اطمینان یافت.

۲. در ادامه درباره برخی واژه‌های این روایت مانند «تمحیص»، «تمییز» و «تغریل» سخن خواهیم گفت.

می‌دهد که این اختلافات نه تنها تا زمان ظهور ادامه خواهد یافت، بلکه شدت نیز می‌یابد. به محتوای این روایت توجه فرمایید:

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَلَوِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَثْقُلَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَحَتَّى يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَحَتَّى يُسَمِّيَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ (النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۶)^۱

آن امر روی نمی‌دهد مگر این که برخی از شما به صورت برخی دیگر تف انداخته و برخی از شما برخی دیگر را لعن کند و تا این که برخی از شما برخی دیگر را بسیار دروغگو بنامد.

آن امر، به قرینه دیگر روایات، امر ظهور منجی موعود علیه السلام است (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۳۷-۴۳۸). ظهور تعبیری مانند «بَعْضُكُمْ» نشان می‌دهد که مخاطب امام صادق علیه السلام جامعه شیعه است نه اهل سنت. مفهوم جمله ابتدای این روایت آن است که ظهور موعود محقق نمی‌شود، مگر آن که چنین اختلافاتی در جامعه شیعه روی دهد. روشن است که چنین اختلافاتی مطلوب نیست؛ اما خبر از تحقق آن در آستانه ظهور داده شده است. در روایت دیگر پس از خبر دادن از اختلافات شدید میان جامعه شیعی در آستانه ظهور آمده است:

الْحَيْزُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ عِنْدَ ذَلِكَ يَفُومُ قَائِمُنَا فَيَرْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۳۷-۴۳۸)

تمام خیر در آن (دوره) است؛ (زیرا) قائم ما قیام می‌کند و همه آن (اختلافات) را برطرف می‌کند.

بنابر این روایت، فتنه‌ها و اختلافات داخلی جامعه شیعه با ظهور آن حضرت برطرف می‌شود. روشن است که باید ارتباطی منطقی بین این اختلافات و ظهور آن حضرت وجود داشته باشد. چنان که اشاره شد، این اختلافات لازمه دوران غیبت امام معصوم و امتحان‌های مختلف آن دوران است و البته ثمره آن، پختگی و خلوص شیعه است که با فراهم شدن آن، موانع ظهور برداشته می‌شود. روایت زیر این پیامد را واضح‌تر بیان کرده است:

۱. سند این روایت به جهت مجهول بودن «بعضی رجاله» ضعیف است؛ اما محتوای آن توسط روایات دیگر این مجموعه تأیید می‌شود.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورِ الصَّقَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ كُنْتُ أَنَا وَالْحَارِثُ بْنُ الْمُغْبِرَةِ وَجَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا جُلُوسًا وَابُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَسْمَعُ كَلَامَنَا فَقَالَ لَنَا فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْتُمْ هَيَّاهُتَ هَيَّاهُتَ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُعْرَبَلُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَحْضُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا لَا وَاللَّهِ مَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى يَشَقَّ مَنْ يَشَقُّ وَيَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ (كلبيني، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ۲۴۹؛ ورك: مشابه آن در النعماني، ۱۳۹۷ق: ۲۰۹)؛

من، حارث بن مغیره و گروهی از یارانمان (نزد ابو عبدالله الصادق علیه السلام) نشستیم بودیم و ابو عبدالله سخنان ما را می شنید. سپس به ما گفت: در چه فکری هستید؟ هرگز! هرگز! نه به خدا قسم! آن چه در انتظار آن هستید، روی نمی دهد، مگر آن که غربال شوید؛ نه به خدا قسم! آن چه منتظر آنید، روی نمی دهد، مگر آن که پالایش شوید؛ نه به خدا قسم! آن چه در انتظار آن هستید، روی نمی دهد مگر آن که (خوب و بد) از هم جدا شوید؛ نه به خدا قسم! آن چه در انتظار آنید، روی نمی دهد مگر بعد از ناامیدی؛ نه به خدا قسم! آن چه منتظر آن هستید روی نمی دهد، مگر بعد از آن که بدبخت می شود هر آن که شایسته آن است و سعادت می شود، هر که لایق آن است.

در شرایط تاریخی دوره صدور این روایت، شیعیان منتظر ظهور مهدی موعود علیه السلام بودند و امام صادق علیه السلام انتظار آنان را اصلاح و جهت دهی کردند (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۹: ج ۴، ۵-۳۴). گویا در این روایت، به مراحل مختلفی از امتحانات شیعیان پیش از ظهور موعود علیه السلام اشاره شده است: غربال شدن، یعنی تصفیه اولیه جامعه شیعه؛ همانند «غربال» که دانه های درشت را از ریز جدا می کند. در مرحله بعد امتحان، دشوارتر می شود و سخن از تمحیص است. تمحیص خالص ساختن است، همان کاری که با طلا انجام می شود. طلا را در حرارت بالا ذوب می کنند تا ناخالصی های آن جدا شود (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۳، ۱۲۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۷، ۹۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰ش: ج ۱۱، ۳۸). نتیجه این امتحانات، جدا شدن (تمایز) بین دیدگاه های درست و نادرست است. یعنی پس از غربال (تمایز اولیه) و تمحیص، در این مرحله درستی یا نادرستی هر دیدگاه، کاملاً روشن شده و طرفداران آن با شناخت کامل از هم فاصله می گیرند. اکنون می توان روایات دسته قبل را که از اختلافات جدی میان شیعیان در آستانه ظهور خبر می دادند، بهتر فهمید. با این توضیح که چون اختلافات درون جامعه شیعی . در نتیجه

۱. سند این روایت به جهت مجهول بودن محمد بن منصور و پدرش، ضعیف است؛ اما محتوای آن توسط روایت مشابه تأیید می شود و قابل اطمینان است.

امتحانات دشوار یاد شده. دقیق تر و مبنایی تر شده، فاصله‌ها بیشتر می‌شود و در این حالت، طبیعی است که پیروان هر دیدگاه، دیدگاه‌های مقابل خود را تحمل نمی‌کنند. امتحان دیگری که در این روایت به آن اشاره شده، بروز یک ناامیدی در میان جامعه است. امام در این مورد - برخلاف موارد قبل - نفرمود: شما ناامید می‌شوید، بلکه فرمود: «بعد از یک ناامیدی»؛ یعنی یک ناامیدی در میان جامعه ظاهر می‌شود؛ گویا این ناامیدی در سطح عموم جامعه روی می‌دهد که شامل غیر مسلمانان و اهل سنت هم می‌شود. این ناامیدی، زمینه‌ساز درک نیاز به حجت الهی (اضطرار به حجت) است.

استواری برخی شیعیان در این مراحل، موجب می‌شود که آنان به سعادت حقیقی برسند و افرادی که باوری ضعیف دارند، در مراحل مختلف امتحانات بلغزند. در روایت دیگر نتیجه این امتحان‌ها چنین بیان شده است:

شِيعَتُنَا يُمَيَّرُونَ وَيُحْصُونَ حَتَّى تَبْقَى مِنْهُمْ عَصَابَةٌ لَا تَضُرُّهَا الْفِتْنَةُ (النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۱ و رک: همان، ۲۱۰)؛

یعنی شیعیان ما (از هم) جدا و پالایش می‌شوند تا حدی که فقط گروهی باقی می‌مانند که فتنه‌ها به آنان ضرری نمی‌زند. پرورش چنین نسلی، ثمره دوران غیبت است و چنین شیعیانی توان همراهی موعود را برای برپایی حکومت جهانی دارند.

قابل توجه است که در این روایت و برخی روایات دیگر ابتدا از تمییز (جداشدن آنان) و سپس از خالص‌تر شدن شیعه (تمحیص) سخن گفته شده (ر.ک: همان، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸ و ۲۱۱) که با محتوای روایت قبلی که در آن ابتدا تمحیص و سپس تمییز آمده، قابل جمع است؛ زیرا در روایات دسته‌آخر، ترتیبی بین تمییز و تمحیص بیان نشده بلکه از وقوع تمییز و تمحیص، صرف نظر از ترتیب بین آن‌ها سخن گفته شده است. بنابراین با روایاتی که نوعی ترتیب از آنان برداشت می‌شود، مخالفت ندارند. افزون بر آن که ممکن است مراد از تمییزی که قبل از تمحیص است، همان مراحل اولیه جدایی است که در روایت پیشین از آن با عنوان غربال یاد شده است. این تمییز، نتیجه امتحان‌های اولیه است؛ اما تمحیص، نتیجه امتحان‌های دشوار و تکمیلی است که جدایی پس از آن غیر از جدایی پس از غربال اولیه است. به هر حال روشن است که تا امتحانی نباشد و غربال یا تمحیصی روی ندهد، تمییزی نخواهد بود.

این‌گونه روایات نشان می‌دهند که جامعه شیعه در یک فرایند امتحانی، خالص‌تر و استوارتر می‌شود، ابهام‌ها به تدریج برطرف شده و ریشه اختلافات روشن‌تر می‌شود. در چنین شرایطی

جدایی گروه‌ها، مبنایی بوده و شیعیان حق طلب با پشت سر گذاردن امتحان‌های مختلف، از پختگی، تجربه و ایمان بیشتری برخوردار می‌شوند. خلاصه این فرآیند در این دو آیه شریفه به عنوان سنت الهی بیان شده است:

﴿إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَحَقِّقَ الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۴۰-۱۴۱)؛

اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی مانند آن رسید؛ و ما این روزها [شکست‌ها و پیروزی‌ها] را میان مردم می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گواهانی بگیرد، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد.

مطابق این دو کریمه، خداوند سختی‌ها و امتحان‌ها را در میان مردم قرار داده است تا مؤمنان خالص شوند و در نهایت کافران از بین بروند. این همان سنتی است که در جامعه شیعه در دوران غیبت جاری می‌شود و آنان به تدریج پالایش شده و خالص‌تر می‌شوند. از این روایات این گونه به دست می‌آید که حکومت جهانی آن حضرت به یارانی نیاز دارد که درجه بالایی از خلوص و ایمان را داشته باشند. تربیت این افراد با پالایش جامعه شیعه در طول قرن‌ها محقق و در نتیجه موانع ظهور برداشته می‌شود.

این نکته قابل دقت است که به طور طبیعی، فقط عده‌ی اندکی از تمام این امتحانات سرفراز بیرون می‌آیند و بسیاری در مراحل مختلفی از این امتحانات می‌لغزند. روایت زیر نمونه‌ای از روایاتی است که این نکته را به صراحت بیان کرده است:

وَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام وَاللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَعُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُنَحِّصُوا وَ تُمَيِّزُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُفَا لَأَنْدَرُ (همان، ۲۰۸)؛

به خدا قسم! آن‌چه چشمان‌تان را به آن دوخته‌اید، روی نمی‌دهد مگر آن‌که خالص و جدا شوید و تا این که از شما باقی نمی‌ماند، مگر نادرترین از نادرها.

۱. سند این روایت نیز اگر چه به جهت توثیق نداشتن «عبیدالله بن موسی» ضعیف است؛ اما مضمون آن در روایات متعددی نقل شده و قابل اعتماد است. رک: همان، باب ۱۲، ما يلحق الشيعة من التمحيص و التفرقة و التشتت عند الغيبة حتى لا يبقى على حقيقة الأمر إلا الأقل الذي وصفه الأئمة □.

مخاطب این روایت، جناب صفوان بن یحیی از اصحاب برجسته و بلندمرتبه امام رضا علیه السلام است (ر.ک: النجاشی، ۱۳۶۵ ش: ۱۹۷؛ خوئی، بی تا: ج ۱۰، ۱۳۴). بنابراین مخاطب امام جامعه شیعه است و مراد از آن چه شیعیان به آن چشم دوخته اند و در انتظارش هستند، ظهور موعود منتظر علیه السلام است که در تمام عصر حضور ائمه علیهم السلام، به طور پرننگ مطرح بوده است (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۹: ش ۴، ۳۴۵).

باید توجه داشته که اندک بودن کسانی که از این امتحانات سرفرازانه بیرون می آیند، بدان معنا نیست که اکثریت جامعه شیعه به مخالفت با قیام حضرت مهدی علیه السلام می پردازند و با ایشان همراهی نمی کنند. آن چه در این گونه روایات بدان تأکید شده، این است که تنها عده اندکی از تمام این امتحان ها سربلند بیرون می آیند، نه آن که اکثریت شیعیان با آن حضرت مخالفت می کنند (توجه شود).^۱

دوره همراهی

آغاز انقلاب مهدوی، با تحولات بسیاری همراه است که مهم تر از همه تحولات فرهنگی آن است. روایات نشان می دهد که اصلاحات دینی در این دوره به اندازه ای است که می توان از آن به آوردن دین جدید یاد کرد:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الثَّمَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْوَايَ مُحَمَّدٌ وَ أَحْمَدُ ابْنَا الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ وَعَنْ جَمِيعِ الْكُنَابِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ كَامِلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَ وَإِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَسَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ (النعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۳۲۱):^۲

زمانی که قائم ما قیام کند، مردم را به امر جدیدی فرا می خواند، چنان که رسول خدا به آن فرا خواند. اسلام در ابتدای ظهورش غریب بود و به زودی دوباره مانند آغازش غریب خواهد شد. پس خوشا به حال غریبان!

تعبیر «چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن فرا خواند» اشاره به آن دارد که دعوت حضرت مهدی علیه السلام نیز همانند دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جدید و متفاوت با باورهای مردم زمان شان

۱. چنان که در ادامه بیان می شود اکثریت جامعه شیعه با امام همراهی دارند؛ هرچند عده ای اندک یاران اصلی ایشان به شمار می آیند که در مدیریت جهان او را یاری می کنند.

۲. در این کتاب، بابی به این موضوع اختصاص یافته و پنج روایت نقل شده که محتوای یک دیگر را تأیید می کنند. ر.ک: همان، ۳۲۰-۳۲۲.

است. گویا مراد از جمله «خوشا به حال غریبان» این است که خوشا به حال کسانی که به خاطر فاصله نگرفتن از تعالیم اسلام، با غربت اسلام، آنان نیز غریب می‌شوند. اینان به جهت همراهی اسلام در دوران غربتشان، جایگاه ویژه‌ای نزد خداوند متعال دارند و به این جهت امام علیه السلام می‌فرماید:

خوشا به حال آنان! در اشاره به غربت اسلام، این نکته نیز نهفته است که دعوت موعود علیه السلام، در واقع دعوتی غیر از دعوت به اسلام حقیقی نیست؛ بلکه اصلاح انحرافات همان اسلام اصیل است که گرفتار غربت شده است.

به طور طبیعی مخاطب این روایات، غیر شیعیان است؛ زیرا جریان اهل سنت با فاصله گرفتن از معارف اهل بیت علیهم السلام، چنان از اسلام واقعی دور شده‌اند که بازگرداندن آنان به مسیر اصلی، شبیه آوردن دین جدید برای آنان است. اصلاحات مهدوی - هرچه که باشد - در میان جامعه شیعه مورد توقع است و مواجهه آنان با این معارف، همانند برخورد با دین جدید و انکار و نافرمانی نخواهد بود.^۱ در برخی از این روایات آمده است که این اصلاحات از اصلاح جامعه عرب جاهلی دشوارتر است:

أَخْبَرَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُفْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْزُوقَانَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ قُلْتُ وَكَيْفَ ذَاكَ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْحُشْبَ الْمُنْحُوْتَةَ وَإِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَخْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ (النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹۷)؛^۲

زمانی که قائم ما قیام کند، به جهالتی از سوی مردم روبرو می‌شود که از جهالت جاهلیتی که رسول خدا صلى الله عليه وآله با آن روبرو شد، شدیدتر است. گفتم: چگونه چنین حالتی روی می‌دهد؟ فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله در هنگامی که نزد مردمی آمد که آنان سنگ‌ها، صخره‌ها، چوب‌های تراشیده و نتراشیده را می‌پرستیدند ولی زمانی که قائم ما قیام کند، در حالی که نزد مردم می‌آید که همه آنان کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و با آن علیه او استدلال می‌کنند.

۱. روایاتی که در ادامه می‌آید همین مطلب را تأیید می‌کند.

۲. تنها ابهام سندی این روایت «محمد بن مروان» است که مردد بین چند نفر است که توثیق ندارند ولی با توجه به روایات دیگری که همین مضمون را با سندهای دیگر نقل کرده‌اند، می‌توان به محتوای آن اطمینان یافت. دو روایت دیگر نیز در این منبع به دنبال روایت یاد شده نقل شده که مضمون مشترکی با آن دارند.

در این روایت، برخوردار عموم مردم «الناس» گزارش شده که چنین تعبیری اشاره به عموم مسلمانان (غیر شیعه امامی) اشاره دارد؛ زیرا چنان که گفته شد، چنین برخوردی با شرایط فکری و فرهنگی اهل سنت هماهنگ است، نه با روحیه جامعه شیعی که در انتظار آن حضرت و اصلاحات ایشان هستند.

روایت زیر برداشت یاد شده را تأیید می‌کند. بیشترین نزدیکی و آشنایی با آرمان‌ها و تعالیم مهدوی را در میان جامعه شیعه می‌توان یافت. به همین جهت، شیعیان اولین بیعت‌کنندگان با امام زمان علیه السلام خواهند بود:

الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ وَهَيْبِ بْنِ حَنْصَلَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ... لَكَأَنِّي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ جِبْرِئِيلُ عليه السلام عَنْ يَدِهِ الْيَمْنَى يُنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطْوَى لَهُمْ طَيًّا حَتَّى يُبَايِعُوهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا (مفيد (۲)، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۷۹، اربلي، ۱۳۸۱ق: ج ۲، ۴۶۲)؛^۱

گویا روز شنبه دهم محرم را می‌بینم که (موعود عليه السلام) بین رکن و مقام ایستاده، جبرئیل در سمت راست او است. به بیعت فرا می‌خواند و شیعیان او از اطراف زمین به سرعت نزد او می‌آیند و با او بیعت می‌کنند و خداوند به وسیله او زمین را از عدالت می‌کند؛ همان‌گونه که پراز ظلم و ستم شده بود.

این روایت به خوبی نشان می‌دهد که بیعت‌کنندگان و یاران اولیه حضرت مهدی عليه السلام، همان شیعیان ایشانند که از مناطق مختلف زمین دور او جمع می‌شوند. دیگران به طور طبیعی، پس از ایمان به امامت و مهدویت ایشان در مراحل بعد به ایشان ملحق خواهند شد. در روایت دیگر آمده است که زمان قیام حضرت حجت عليه السلام، زمان شادی و عزت شیعیان اهل بیت عليهم السلام است (النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۴۴).^۲ این روایت محتوای روایت پیشین را تأیید کرده و نشان می‌دهد که حامیان اصلی قیام آن حضرت، شیعیان هستند.

هرچند از برخی روایات می‌توان دریافت که برخی غیر شیعیان نیز با یافتن حقیقت، به آن حضرت ایمان می‌آورند، چنان که برخی از شیعیان نیز گرفتار لغزش می‌شوند (النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۷)؛^۳ اما روایات یاد شده و روایت زیر نشان می‌دهند که تکیه اصلی این انقلاب بر

۱. سند این روایت به دلیل ضعیف بودن محمد بن علی الکوفی، ضعیف است؛ اما محتوای کلی آن (یاری امام زمان عليه السلام به وسیله شیعیان) به وسیله روایاتی که در ادامه می‌آید، تأیید می‌شود.

۲. «... أَلَا ذَلِكَ يَوْمٌ فِيهِ سُورُؤُودُ عَلِيٍّ وَ شِيعَتِهِ».

۳. «... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عليه السلام خَرَجَ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ بَرَى أَنَّهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ دَخَلَ فِيهِ شِبْهُ عِبْدَةَ

شیعیان است. روایت زیر از شیعیان به عنوان حاکمان زمین در دوره امام عصر علیه السلام یاد کرده است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرِ الْقَصْبَانِيِّ عَنِ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدِ الْمَسْلِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ثُوَيْرِ بْنِ أَبِي فَاخِتَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاثَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَسَنَامَهَا (صدوق، ۱۳۶۲ ش: ج ۲، ۵۴۱)؛^۱

زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل آفات را از شیعه برمی دارد و قلب های آنان را مانند پاره های آهن (استوار) می سازد. توان مردی از آنان را برابر با چهل مرد می سازد و آنان حاکمان زمین و بزرگان آن خواهند شد.

این تعبیر که «آنان حاکمان زمین و بزرگان آن می شوند»، جایگاه ممتاز شیعیان را در حکومت مهدوی به خوبی نشان می دهد. این که آفات از شیعه برداشته می شود، یعنی ضعف ها و اختلافات آنان با ظهور موعود علیه السلام برطرف می شود و بر قدرت و توان ظاهری و معنوی آنان افزوده می شود.

در روایتی دیگر عبدالحمید واسطی گفت وگویی با امام باقر علیه السلام دارد که محتوای روایت پیشین را تأیید می کند. او در قسمتی از این گفت وگو از امام پرسیده: «آیا در آن زمان (زمان ظهور موعود علیه السلام) ما (شیعیان) و بقیه مردم برابرند؟» امام باقر علیه السلام پاسخ دادند: «لَا، أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ سَنَامُ الْأَرْضِ وَ حُكَّامُهَا، لَا يَسْعُنَا فِي دِينِنَا إِلَّا ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق: ج ۱۵، ۲۰۱)؛^۲ خیر، شما در آن روز بزرگان زمین و حاکمان آن هستید. دین ما (دیدگاهی) غیر از این را بر نمی تابد. تعبیر پایانی روایت، قابل توجه و بدین معنا است که چنین مطلبی (پیشگامی شیعه در عصر ظهور) مطابق معارف دینی است؛ یعنی طبیعی است که شیعیانی که بیش از دیگران با معارف اهل بیت علیهم السلام آشنا بوده و تحت تربیت آنان قرار گرفته اند، جلودار دیگرانند.

السَّمْسُ وَالْقَمَرِ».

۱. «الحسن بن ثوير» توثيق ندارد؛ اما می توان این حدیث را معتبر دانست؛ زیرا احادیث دیگری، همین مضمون آن را نقل کرده اند. (رک: عده ای از محدثان، ۱۴۲۳ ق: ۳۲۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ ق: ج ۱۵، ۲۰۱؛ مفید (۱)، ۱۴۱۳ ق: ۸)
۲. سند این حدیث به خاطر توثیق صریح نداشتن «عبدالحمید الواسطی» ضعیف است؛ اما محتوای این حدیث چنان که در پاورقی روایت پیشین بیان شد، با سندهای دیگری نیز نقل شده است که موجب اطمینان می شود؛ افزون بر آن که بعید نیست، عبدالحمید واسطی نیز با توجه به محتوای روایاتی که نقل کرده، توثیق شود. (رک: نوری، ۱۴۱۷ ق: ج ۸، ۱۱۲)

در برخی روایات خبر داده شده است که شیعیان در آن دوره، معارف قرآنی را به دیگران آموزش می‌دهند (النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۷-۳۱۸).^۱ این گونه روایات نیز تأییدی بر برداشت یاد شده است که شیعیان اصلی‌ترین یاوران موعود منتظر^ع بوده که بیش از دیگران با آموزه‌هایی اسلام حقیقی آشنا هستند.

پس از اثبات همراهی کلی جامعه شیعی با آن حضرت باید به این نکته توجه کرد که همه شیعیان در یک سطح معرفتی و ایمانی نیستند. روایات پیشین که از شیعه به طور مطلق سخن می‌گویند، به کلیت جامعه شیعه اشاره دارد. یعنی جامعه شیعی - در یک نگاه کلی - پیشگامان یاری آن حضرت و حاکمان زمین خواهند بود؛ اما طبیعی است که همه آنان از ارکان حکومت ایشان به شمار نمی‌آیند. به یاد داریم که روایات مباحث ابتدایی (شیعه در آستانه ظهور) نشان داد که تنها، عده اندکی از شیعیان تمام امتحانات را با موفقیت پشت سر می‌گذرانند. جمع بین آن روایات و روایات اخیر، این است که با آمدن امام زمان □ و اصلاحات ایشان، اختلافات جامعه شیعه بر طرف می‌شود و جامعه شیعی به طور کلی یاوران آن حضرت خواهند بود؛ اما این بدان معنا نیست که همه آنان حاکمان زمین و بزرگان جهانند. به طور طبیعی در میان همان جامعه همراه با امام، برخی نیازمند هدایت یافتن و مدیریت شدن هستند و برخی پیشگامان هدایت و پیشوایان مردم هستند. روایت زیر همین برداشت را تأیید می‌کند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِيَّ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ... (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۷۲-۶۷۳)؛^۲

گویا به قائم □ که بر منبر کوفه نشسته می‌نگرم، در حالی که سیصد و سیزده مرد، به تعداد اهل بدر در اطراف او هستند. آنان صاحبان پرچم و آنان حکام از سوی خداوند

۱. «أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ التَّمِيمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ وَ مُحَمَّدُ ابْنَا عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَبَّاحِ الْمُرْزِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ حَصْبِرَةَ عَنِ حَبَّةِ الْغُرَبِيِّ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ قَدْ صَرَبُوا الْقَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ أَمَا إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ كَسَرَهُ وَ سَوَّى قَبْلَهُ». سند روایت به جهت توثیق نداشتن «الحارث بن حصيرة» ضعیف است؛ اما مباحث گذشته محتوای آن را تأیید می‌کند. در این روایت، مشخص نیست که این رویداد مربوط به چه زمانی است. اما از روایات مشابه آن می‌توان دریافت که به زمان ظهور اشاره دارد. (ر.ک: همان، ۳۱۹)

۲. سند این روایت به دلیل مجهول بودن «احمد بن ابی عبدالله کوفی» و پدرش، ضعیف است؛ اما محتوای این روایت توسط روایات دیگر این مجموعه تأیید می‌شود و قابل اطمینان است.

در زمین بر بندگانش هستند.

ضمایر «هُم» در این روایت، به همان سیصد و سیزده نفر از یاران آن حضرت باز می‌گردد. بنابراین حدیث، این تعداد از یاران موعود علیه السلام، حاکمان زمین خواهند بود. جمع بین این روایت با روایات پیشین که از حکومت شیعیان و بزرگی آنان خبر می‌داد به این است که هر کس به اندازه درجه ایمانی و معرفتی خود در همراهی قیام حضرت مهدی علیه السلام نقش دارد. حاکمان اصلی همان سیصد و سیزده نفرند و شماری دیگر به طور طبیعی در سطوح مختلف مدیریتی به حکومت آن حضرت یاری می‌دهند و البته عده‌ای نیز وجود دارند که فقط در تحت مدیریت و حکومت ایشان زندگی می‌کنند و صلاحیت حضور در مجموعه مدیران آن حضرت را ندارند.

با این توضیح، می‌توان به این نتیجه رسید که روایات یاد شده با هم قابل جمع بوده و هر کدام به بخشی از جایگاه شیعه در دوره حضور حضرت حجت علیه السلام اشاره دارند. شیعیان - به طور کلی - اولین و مهم‌ترین یاران آن حضرت خواهند بود و البته برگزیدگان آنان - به حسب صلاحیت‌شان - در حکومت آن حضرت، نقش مدیریتی و حکومتی خواهند داشت.

ممکن است گفته شود که هنوز در این مقاله توضیح کافی برای رابطه اختلافات شدید یاد شده در میان جامعه شیعه در آستانه ظهور و همراهی حداکثری آنان با حکومت مهدوی ارائه نشده است. در پاسخ می‌توان گفت که آن اختلافات شدید، افزون بر زمینه‌های طبیعی یاد شده مانند غیبت امام معصوم و اختلاف برداشت‌های عالمان دینی، ناشی از انحرافات است که در بخشی از جامعه شیعه توسط فتنه‌گرانی منحرف ایجاد می‌شود؛ اما با از بین رفتن این منحرفان در ابتدای دوره حضور، عامل این اختلافات برطرف شده و عموم جامعه شیعه در یاری آن حضرت هم‌صدا می‌شوند. روایت زیر همین نکته را بیان کرده است:

مَدَّوِيهِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى، عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ، عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا بَدَأَ بِكَذَابِ الشَّيْعَةِ فَقَاتَلَهُمْ (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۹۹)؛^۱

اگر قائم ما قیام کند، (کار خود را) از دروغ‌گویان (میان) شیعه شروع می‌کند و آن را می‌کشد.

بنابر این حدیث، اولویت اقدامات امام زمان علیه السلام، اصلاح جامعه شیعه است و سپس به امور

۱. سند این روایت، صحیح است.

دیگر مسلمانان و جهانیان می پردازد. تعبیر «دروغ گویان شیعه» نشان می دهد که این افراد به ظاهر شیعه هستند؛ اما در حقیقت دروغ گویان بی ایمانی هستند که ریشه اصلی اختلافات جامعه شیعه به شمار می آیند. روایت زیر نشان می دهد که این دروغ گویان، گروهی از عالم نمایان به ظاهر شیعی هستند:

وَأَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الثَّمَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ وَ
أَحْمَدُ ابْنَا الْحُسَيْنِ عَنِ أَبِيهِمَا عَنِ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ أَبِي كَهْمَسٍ عَنِ عِمْرَانَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ
مَالِكِ بْنِ ضَمْرَةَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مَالِكُ بَنَ ضَمْرَةَ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا اخْتَلَفْتَ
الشَّيْعَةَ هَكَذَا وَشَيْبِكَ أَصَابِعُهُ وَأَدْخَلَ بَعْضَهَا فِي بَعْضٍ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا عِنْدَ
ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ قَالَ الْحَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَتُومُ قَائِمُنَا فَيَقْدِمُ سَبْعِينَ
رَجُلًا يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَيَسْتَلْهُمُ ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ
(النعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۶)؛^۱

ای مالک بن ضمیره! (حال) تو چگونه است، وقتی که شیعیان این گونه با هم اختلاف می کنند. (امام در این هنگام) انگشت های خود را در داخل یک دیگر کردند. گفتیم: ای امیر مؤمنان! خیری در آن زمان نیست. فرمود: تمام خیر در آن (زمان) است. ای مالک! در آن هنگام، قائم ما قیام می کند. هفتاد نفر از دروغ گویان را - که بر خداوند و پیامبرش دروغ می بندند - پیش آورده و آنان را می کشد. سپس خداوند (دیدگاه) آنان را بر امر واحدی جمع می کند.

این روایت به روشنی به دو بحث یاد شده اشاره دارد: یعنی از طرفی از اختلافات جدی جامعه شیعه در آستانه ظهور خبر می دهد و از طرفی ریشه آن را عالمان دروغ پرداز معرفی کرده است که با از بین رفتن آنان توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه در ابتدای دوره حضور، اختلافات از میان جامعه شیعی بر طرف می شود. تعبیر «دروغ پردازانی که بر خدا و پیامبرش دروغ می بندند»، ضمن هماهنگ بودن با محتوای روایت پیشین، نشان می دهد که دروغ گویان یاد شده، عالمان نمایانی هستند که با تمسک دروغین به کتاب و سنت موجب پدید آمدن اختلاف و انحراف در جامعه شیعی می شوند. به عبارت دیگر اختلافات یاد شده در جامعه شیعه ناشی از اجتهادهای متفاوت فقهای وارسته و متعهد نیست که اگر چنین بود، با آمدن امام زمان □ به راحتی برطرف می شد و دیگر نیاز به از بین بردن آن افراد نبود. این اختلافات ناشی از

۱. سند این روایت نیز مشکل چندانی ندارد. بقیه افراد سند به جز دو نفر توثیق دارند. (الهیثم) ابوکهمس که توصیفی ندارد و «مالک بن ضمیره» که از رجال کامل الزیارات است. محتوای این روایت، چنان که از مباحث گذشته روشن شد، با مجموعه ای از روایات تأیید می شود و اطمینان بخش است.

عالم‌نمایان منحرفی است که با نسبت دادن دروغین برخی امور به دین یا موجه نمایاندن برداشت‌های نادرست خود از قرآن و سنت، موجب انحراف شیعیان می‌شوند. تعبیر «هفتاد مرد»، احتمال دارد که نشانه زیادی این افراد باشد. بنابراین باید در عصر غیبت، به خطر تحریف و اختلاف افکنی عالم‌نمایان بی‌تقوا در میان جامعه شیعه توجه جدی داشت. روایت دیگری نیز وجود دارد که ممکن است گمان شود به این گروه از عالم‌نمایان شیعی اشاره دارد. به متن آن توجه فرمایید تا درباره محتوای آن تأمل کنیم:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ نُصَيْرٍ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى. بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ قَوْلَوَيْهِ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ، قَالَا حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ وَ ابْنَيْهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ، قَالَ، قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ... عَلَيْكُمْ بِالتَّسْلِيمِ وَ الرَّيِّ الْيَنَابِ وَ انْتِظَارِ أَمْرِنَا وَ أَمْرِكُمْ وَ فَرَجِنَا وَ فَرَجِكُمْ، وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا وَ تَكَلَّمَ مُتَكَلِّمُنَا ثُمَّ اسْتَأْنَفَ بِكُمْ تَعْلِيمَ الْقُرْآنِ وَ شَرَائِعَ الدِّينِ وَ الْأَحْكَامِ وَ الْفَرَائِضِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ عليه السلام لِأَنَّكَرَ أَهْلَ الْبَصَائِرِ فِيكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ انْكَاراً شَدِيداً، ثُمَّ لَمْ تَسْتَقِيمُوا عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ طَرِيقِهِ إِلَّا مِنْ تَحْتِ حَدِّ السَّيْفِ فَوْقَ رِقَابِكُمْ، إِنَّ النَّاسَ بَعْدَ نَبِيِّ اللَّهِ صلى الله عليه وآله رَكِبَ اللَّهُ بِهِ سُنَّةَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَغَيَّرُوا وَ بَدَّلُوا وَ حَزَفُوا وَ زَادُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَ نَقَضُوا مِنْهُ، فَمَا مِنْ شَيْءٍ عَلَيْهِ النَّاسُ الْيَوْمَ إِلَّا وَ هُوَ مُنْحَرَفٌ عَمَّا نَزَلَ بِهِ الْوَحْيُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (کشی، ۱۴۰۹ق: ۱۳۹-۱۴۰)؛

بر شما باد به تسلیم و بازگرداندن (آن چه نمی فهمید) به ما و منتظر بودن برای امر (حکومت) ما و گشایش ما و گشایش (کار) خودتان. اگر قائم ما قیام کند و سخن گوی ما سخن بگوید و آموزش قرآن، تعالیم دین، احکام و واجبات را برای شما دوباره آغاز کند، آن طور که خداوند بر محمد صلى الله عليه وآله نازل کرد، در آن روز، صاحبان بصیرت شما به سختی انکار می‌کنند و شما بر دین خدا و راه او استوار نمی‌مانید مگر در سایه تیزی شمشیر بر گردن هایتان. خداوند پس از پیامبرش صلى الله عليه وآله، سنت اقوام پیش از شما را بر مردم جاری کرد؛ پس تغییر دادند، جایگزین کردند، تحریف کردند و افزودند در دین خدا و کاستند از آن. چیزی نیست که امروزه مردم بدان ملتزم باشند، مگر آن که تحریف شده است.

در این روایت، از لغزش کسانی که اهل بصیرت شمرده می‌شوند، سخن گفته شده است؛ اما دلیل روشنی که نشان دهد این توصیف درباره عالمان شیعی است، در آن وجود ندارد؛ بلکه

۱. این حدیث با دو سند نقل شده است و هر دو سند صحیح است.

شواهد نشان می‌دهد که این تعبیر به عالمان اهل سنت اشاره دارد؛ زیرا اولاً، در آن تعبیر «أَهْلُ الْبَصَائِرِ فِيكُمْ» آمده نه «اهل البصائر منكم»؛ یعنی کسانی که در میان جامعه شما به اهل بصیرت شناخته می‌شوند نه آن که این افراد از شما هستند. شاهد دیگر این است که تحریفات که در ادامه روایت بیان شده و توضیح دلیل انکار و مقابله این افراد با امام مهدی علیه السلام است، به تحریفات اهل سنت در معارف اسلامی اشاره دارد. یک بار دیگر به این فراز روایت توجه فرمایید:

إِنَّ النَّاسَ بَعْدَ نَبِيِّ اللَّهِ ﷺ رَكِبَ اللَّهُ بِهِ سُنَّتَهُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ فَغَيَّرُوا وَبَدَّلُوا وَحَرَّفُوا وَزَادُوا فِي دِينِ اللَّهِ وَنَقَضُوا مِنْهُ، فَمَا مِنْ شَيْءٍ عَلَيْهِ النَّاسُ الْيَوْمَ إِلَّا وَهُوَ مُنْحَرَفٌ عَمَّا نَزَلَ بِهِ الْوَحْيُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ.

چنان که دیده می‌شود این فراز، ظهور روشنی در بیان انحرافات دارد که در جامعه اسلامی پس از پیامبر توسط پیشوایان اهل سنت ایجاد شد. بنابراین به نظر می‌رسد این روایت به جامعه شیعی مربوط نیست.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج این نوشتار را می‌توان این‌گونه بر شمرد:

۱. بروز اختلافات جدی در آستانه ظهور در میان جامعه شیعی نتیجه اجتناب‌ناپذیر عصر غیبت است. بنابراین تلاش برای فهم دقیق و مبنایی معارف دینی و آموزش آن به دیگران باید در زمره برنامه‌ها و اقدامات جدی عالمان روشن‌گر و مراکز دینی ما باشد.
۲. بالاتر رفتن تحمل‌پذیری جامعه شیعه در اختلافات غیر مبنایی، کار پسندیده‌ای است که باعث می‌شود، زمینه سوءاستفاده فتنه‌انگیزان کم‌تر و شفافیت اختلافات مبنایی بیشتر شود.
۳. شیعه برای رسیدن به عصر ظهور، باید آزمون‌های سختی را با موفقیت پشت سر بگذراند. توجه و تأکید پیوسته بر بصیرت‌افزایی در حوزه معارف و استواری و اقدامات بایسته در مقام عمل، راه درست سرافرازی در این امتحان‌ها است.
۴. امید دادن به جامعه شیعه و تأکید بر نقش مثبت و برجسته آنان به عنوان اولین یاران و مهم‌ترین ارکان حکومت مهدوی می‌تواند زمینه، انتظار صحیح و پویا را فراهم کرده و آنان را برای به عهده گرفتن این مسؤولیت‌ها در آن زمان آماده سازد.
۵. توجه به خطر عالمان منحرف - به عنوان مهم‌ترین چالش آینده جامعه شیعی - و شناخت شاخصه‌های انحراف از ضرورت‌های مباحث معرفتی جامعه شیعه است.

منابع

- ابن غضائری، احمد بن ابی عبد الله، *كتاب الضعفاء رجال ابن الغضائری*، [بی نا]، قم، [بی تا].
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- اربلی، علی بن عیسی، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- حائری مازندرانی، محمد بن اسماعیل، *منتهی المقال فی أحوال الرجال*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱، ۱۴۱۶ ق.
- خواجویی، محمد اسماعیل، *الفوائد الرجالية (للخواجویی)*، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد، ۱، ۱۴۱۳ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین، *کمال الدین وتمام النعمة*، دار الکتب الإسلامية، قم، ۱۳۹۵ ق.
- _____، *الخصال*، جامعة مدرسين حوزة علمية قم، قم، ۱۳۶۲ ش.
- طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبة / کتاب الغیبة للحجة*، دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ ق.
- عده ای از محدثان، *الأصول الستة عشر*، مؤسسة دار الحديث الثقافية، قم، ۱۴۲۳ ق / ۱۳۸۱ ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، ج ۲، انتشارات هجرت، قم، ۱۴۱۰ ق.
- کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی. إختیار معرفة الرجال*، تحقیق حسن مصطفوی، مؤسسة نشر دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، دار الحديث، قم، ۱۴۲۹ ق.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- مفید، محمد بن محمد، *الإختصاص*، المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- _____، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تصحیح مؤسسة آل البيت علیهم السلام، کنگرة شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث*، [بی نا]، [بی جا]، [بی تا].
- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، ج ۶، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم المشرفة، قم، ۱۳۶۵.
- نعمانی (ابن ابی زینب)، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
- نوری (محدث)، میرزا حسین، *خاتمة المستدرک*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ج ۱، ۱۴۱۷ ق.



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ